

اضافه شدن پسوند "آ-" مصدری به اسامی معنی

علی اشرف صادقی (فرهنگستان زبان و ادب فارسی)

چکیده: در زبان فارسی بعضی کلمات بسیط مانند درنگ، گمان و آزار وجود دارد که از نظر معنی حالت یا عمل را نشان می‌دهد. از سوی دیگر، در این زبان برای ساختن اسم معنی (اسم حالت) و اسم عمل (اسم مصدر) از اضافه کردن پسوند آ- (یای مصدری) به صفات و گاهی اسم‌ها استفاده می‌شود، مانند سرخی، دانایی و دوندگی، اما در متون فارسی قدیم به شواهدی برمی‌خوریم که پسوند آ- به کلماتی که خود اسم معنی‌اند ملحق شده است. در مقاله حاضر تعدادی از این کلمات نقل و بررسی شده و سابقه آنها در فارسی میانه (پهلوی) به دست داده شده است.

کلیدواژه‌ها: اسم مصدر، اسم معنی، اشتقاق، فارسی میانه، فارسی دری، واژه‌سازی.

در فارسی معاصر کلمه سلامتی به معنی صحت و تندرستی و معادل سلامت در عربی و در فارسی قدیم است. پاکی‌گرایان یا وجود این واژه را در زبان نادیده گرفته‌اند، مانند محمد معین در فرهنگ فارسی که مدخلی به آن اختصاص نداده، و یا به دلیل به کار نرفتن آن در متن‌های قدیم فارسی اهل زبان را از به کار بردن آن منع می‌کنند، مانند ابوالحسن نجفی در غلط نویسیم. اگر به همین مدخل در غلط نویسیم رجوع کنیم می‌بینیم که خود نجفی دو شاهد از متون قدیم، یکی از اسرار التوحید (میهنی ۱۳۶۶،

ص ۱۸۸) و دیگری از کلیله و دمنه (نصراالله منشی ۱۳۴۳، ص ۱۰۰) نقل کرده که در آنها سلامت به معنی سالم به کار رفته است.

ما امروز کلمات خلاص و تمام و قحط و قبول و فضول و زیاده و راحت را نیز که در اصل عربی مصدرند، به شکل صفتی در معنی خلاص شده و تمام شده و نایاب و مورد قبول و پذیرفته و فضولی کننده و بیشتر و در راحت، به کار می بریم. بنابراین اگر سلامت به معنی سالم به کار رفته است، پس اسم مصدر یا اسم معنی آن باید سلامتی باشد. از سوی دیگر، ناصر خسرو در بیت زیر خلاصی را به جای خلاص (مصدر) به کار برده است:

به شکر بود بسی سال تا خلاصی یافت به امر خالق بی چون و واحد اکبر

(ناصر خسرو ۱۳۰۷، ص ۱۸۷)

عوفی نیز در عبارت زیر قرابتی را به جای قرابت به کار برده است:

میان پادشاهان و کس دیگر خویشی و قرابتی نیست. (عوفی ۱۳۵۰، ص ۱۶۲)^۱

فروزانفر و معین الحاق «ی» مصدری به این نوع کلمات را به دلیل استعمال صفتی این کلمات می دانند (فروزانفر، بهاء ولد، ۱۳۳۳، ص «ی» مقدمه؛ معین ۱۳۴۱، ص ۱۱۹-۱۲۳)، اما کلمات نقصانی به معنی نقصان^۲، نجاستی به معنی نجاست (نجس بودن)، جمالی به معنی جمال، ترتیبی به معنی ترتیب و مصلحتی به معنی مصلحت که در معارف بهاء ولد (ص ۲۵، ۱۶۹، ۱۷۹، ۲۴۸، ۳۰۹) به کار رفته اند حالت صفتی پیدا نکرده اند تا بتوان به آنها «ی» مصدری اضافه کرد. پس علت این امر را باید در جای دیگری جستجو کرد. نگارنده در سال ۱۳۵۰ در نقدی بر کتاب *اسم مصدر - حاصل مصدر معین نوشت:*

اینکه «ی» مصدری به آخر مصدرهای عربی اضافه می شود تنها به این علت نیست که این مصدرها در فارسی به صورت صفت به کار می روند، بلکه بیشتر به این علت است که چون در فارسی بیشتر حاصل مصدرها که دلالت بر حالت می کنند، با «ی» ساخته شده اند. این مصدرها که «ی» ندارند اسم و یا صفت تصور شده و سپس «ی» گرفته اند. تردید نیست

۱. برای بعضی مثال های دیگر، به ویژه خرابی و زیادتی، ر.ک. شعار ۱۳۵۵، ص ۶۲-۶۵.

۲. نقصانی در بیت زیر از خاقانی (۱۳۳۸، ص ۴۱۳) هم به کار رفته است:

به هر ناسازی ای درساز و دل بر ناخوشی خوش کن

که آبت زیر گاه است و کمالت زیر نقصانی

نیز ر.ک. بهاء ولد (ج ۲، ص ۲۶) برای مثال دیگر نقصانی.

که کلمات ترتیب، نجاست، نقصان، زیادت، جمال، و غیره که در صفحات ۱۲۱-۱۲۲ [کتاب اسم مصدر - حاصل مصدر] با «ی» به کار رفته‌اند، به‌هیچ‌وجه استعمال صفتی ندارند. اضافه شدن «ی» به آن دسته از اسم مصدرها یا حاصل مصدرهای فارسی که به طرز دیگر ساخته شده‌اند و در نتیجه نسبت به حاصل مصدرهای فارسی مختوم به «ی» استعمال کمتری دارند نیز بعید نیست. در همین کتاب (ص ۱۰۸) از معارف بهاء ولد دو مثال نقل شده که در آنها «گنجی» که اسم مصدر است با «ی» همراه است: گنجائی (صادق ۱۳۵۰، ص ۷۷۵-۷۷۶).

اکنون نیز نظر نگارنده همین است. در زبان فارسی، غیر از مصادر قرضی عربی، تعدادی از اسم‌های معنی اصیل فارسی نیز که دلالت بر حالت می‌کنند، به همین دلیل گاهی با «ی» مصدری به کار رفته‌اند. بعضی مثال‌های این فرایند عبارت است از:

آزاری به معنی آزار:

بی آن کش بدی هیچ بیماری‌ای نه از دردها هیچ آزاری‌ای
(فردوسی، ج ۱، ص ۲۸۲)

غمی به معنی غم:

از او شادمانی و زویت غمی است وزویت فزونی و هم زو کمی است
(همان، ص ۴)
نیکی و بدی که در نهاد بشر است شادی و غمی که در قضا و قدر است
با چرخ مکن حواله کاندلر بر عقل چرخ از توهزار بار بیچاره‌تر است
(خیام ← رشیدی تبریزی، ص ۳۰)

خوابی به معنی خواب:

نیکو است به چشم من در پیری و برنایی خوب است به طبع من در خوابی و بیداری
(منوچهری، ص ۱۰۳)

فروزانفر در مورد خوابی گفته است: «کذا و خوابی تعبیر غریبی است»، اما خوابی در قرآن شماره ۱۱۰ فرهنگنامه قرآنی نیز، به شکل خوابیه در مقابل نوم، به کار رفته است. *ih*-شکل پهلوی همان «ی» فارسی است.

زیانی به معنی زیان:

بقاتان بر افزون و با عید میمون عدو سرنگون جفت و زیانی

(قطران، ص ۳۸۲)

هجر تو بر ما زینبها نمود تو به وصلت دیگران را سود باش

(سنایی، ص ۹۰۵)

تورا کآیت آسمانی بود از این بیش گفتن زیانی بود

(نظامی، ص ۱۶۲)

بز آب سرد بر رو، بجه و بکن عللا که ز خوابناکی تو همه سود شد زیانی

(مولوی، ج ۶، ص ۱۲۹)

(نیز ر.ک. رازی ۱۳۶۲، ۴۷۸، ۴۸۶ و ۴۹۷؛ همو ۱۳۸۲، ص ۱۰۰، ۲۸۷، ۲۹۵، ۲۹۷ و ۴۰۶؛ طوسی، ص ۷۳۸ و ۷۷۴؛ هروی، برگ ۶پ).

گمانی به معنی گمان:

ز دلشان همی خواست کاگه شود ز بدها گمانیش کوتاه شود

(فردوسی، ج ۱، ص ۱۰۳)

چنین است و این نزد من شد درست همین بدگمانی مرا از نخست

(همان، ص ۲۱۸)

یا موسی از این گمانی برگرد و مترس، دل به خدای خود ده (چند برگ تفسیر قرآن عظیم، ج ۳، ص ۶۷۲).

نه متابعت کنند بیشتری زیشان مگر گمانی که گمانی نه بازدارد از حق چیزی (ترجمه تفسیر طبری، ج ۳، ص ۶۷۲).

(نیز ر.ک. عیوقی، ص ۱۰، ۳۵، ۶۰؛ قطران، ص ۳۸۷، ۳۸۹، ۵۱۶؛ گرگانی، ص ۲۹۷؛ فرخی، ص ۳۶۳، ۳۷، ۳۹۲؛ سنایی، ص ۱۰۷۶؛ کرمنی، ج ۱، ص ۲۳۵، ۴۳۹، و غیره).^۱

۱. بعضی از شواهد گمانی از پیکره گروه فرهنگ‌نویسی فرهنگستان زبان و ادب فارسی است.

درنگی به معنی درنگ:

سَرُوکَة و تسرُوک: به سبب لاغری یا ماندگی در رفتار درنگی کردن (جمال قرشی)؛ البطاء: درنگی کردن و دیر آمدن (دستور الاخوان، ص ۷)؛ التبطئة: درنگی کردن، یعنی دیر آمدن، و بر درنگی داشتن، یعنی بازداشتن (همان، ص ۱۲۶)؛ الَمکث: درنگ کردن و درنگی، یعنی آهستگی (همان، ص ۶۰۴).

البته در بعضی موارد درنگی در درنگی شدن و درنگی کردن و درنگی گردانیدن در ترجمه ابطاء و تلبیث و تربیث و تعجیز (زوزنی، ج ۲، ۱۴۳ و ۱۵۶ و ۱۷۵) مرگب از درنگ و یای نسبت و معنی آن صاحب و دارای درنگ و درنگ‌کننده است.

افسوسی به معنی افسوس، یعنی تمسخر:

هُزُواً: افسوسی (فرهنگنامه قرآنی، ج ۴، ص ۱۵۷۴، ستون ۲، قرآن ش ۱۶)؛ الذَّیْل: دامن؛ يقال ذَّیْلٌ ذَّایِلٌ یعنی افسوسی و خواری (مقاصد اللغه).

مرگی به معنی مرگ در ترجمه ممات:

و محیای و مماتی: و زندگانی من و مرگی من (مبیدی، ج ۳، ص ۵۳۶؛ نیز ر.ک. ص ۵۴۰، ۵۶۱ و ۵۷۴). نیز ر.ک. فرهنگنامه قرآنی (ج ۳، ص ۱۴۲۲) در ترجمه ممات، ص ۱۴۵۲ و ۱۴۵۳ در ترجمه موت، از چند قرآن، به ویژه از قرآن قدس؛ ج ۳، ص ۹۱۳، در ترجمه صاعقه؛ ترجمه قرآن موزه پارس، ص ۱۴۳، ۱۴۶، ۱۸۰، ۱۸۲ و ۲۷۰. برای شواهد دیگر، ر.ک. لغت‌نامه دهخدا و تفسیر قرآن پاک، ص ۱۳۶-۱۳۷. مرگه در قرآن ۱۱۰ فرهنگنامه قرآنی (ج ۳، ص ۴۵۲) نیز مخفف مرگیه پهلوی، صورت فارسی میانه مرگی است (البته تاریخ کتابت این قرآن را قرن دهم دانسته‌اند).

جالب‌تر اینکه تعدادی از مصدرهای مرگب فارسی نیز که فاقد «ی» هستند گاهی با

«ی» به کار رفته‌اند. بعضی از مثال‌های این اسم مصدرها عبارت‌اند از:

دست‌بوس ← دست‌بوسی

بهبود ← بهبودی

گوشمال ← گوشمالی

فروگذار	←	فروگذاری
بازبین	←	بازبینی
دسترس	←	دسترسی
فراخوان	←	فراخوانی

تنها مصدر بسیط فارسی که «ی» به آن اضافه شده مصدر «دیدن» است که در قم به صورت «دیدنی» درآمده است: برای دیدنی به آنجا رفتیم. در کلیه این موارد الحاق «ی» به این اسم مصدرها و اسم‌های معنی یا حالت، موجب تقویت معنی مصدری یا حالت این کلمات می‌گردد.

اسم مصدرهای بسیط، مانند خرید، فروش، دید، نشست و نظایر آنها هیچ‌گاه با «ی» به کار نرفته‌اند.

اضافه شدن «ی» به کلیه اسم مصدرهای فارسی و عربی و اسم‌های معنی قابل مقایسه با اضافه شدن علامت جمع «ها» به آن دسته از جمع‌های فارسی و عربی متداول در فارسی است که به شکل دیگری جمع بسته شده‌اند (برای جمع بسته شدن مجدد جمع‌های مورد بحث، ر.ک. صادقی و حاجی سیدآقایی ۱۳۸۹، ص ۵۴-۷۶). همچنین قابل مقایسه است با اضافه شدن یای نسبت صفت‌ساز به صفات عربی مزروع، موروث، معمول، مسکون، مصنوع، و جز آنها و صفات فرانسوی اسپانیول، لاتین، الکتریک، فیزیک، (= جسمی)، امپریالیست، و غیره (ر.ک. صادقی ۱۳۷۲، ص ۱۹-۲۰). صفات تفضیلی اولی‌تر و اعلی‌تر که در آنها «تر» به صفات تفضیلی عربی پیوسته است نیز مورد دیگر از فرایند واضح‌تر کردن نقش دستوری کلمات با افزودن پسوند نشان‌دهنده این نقش دستوری به آنهاست.

افزوده شدن «ی» مصدری به اسم‌های معنی سابقه دیرینه‌تری دارد و به دوران میانه زبان‌های ایرانی می‌رسد، زیرا در زبان پهلوی نیز چند اسم معنی وجود دارد که با پسوند *ih* همراه شده‌اند، مانند *ōmēdīh* به معنی امید در متون پهلوی، ص ۹۶، بند ۱۴۵ (قس). *tan-ōmēdīh* در متون پهلوی، ص ۹۷، بند ۱۷۲) و *gumānīh* (ر.ک. MacKenzie 1970، ذیل همین کلمه)، *stahmīh* در مقابل *stahm* به معنی ستم (Ibid)، *afsōsīh* در مقابل *afsōs* به معنی تمسخر (ر.ک. تفضلی ۱۳۴۸، ص ۱۷)، *panāhīh* در مقابل *panāh* به معنی پناه (همان،

ص ۱۰۶)، zahīh در مقابل zahā به معنی گودی و عمق (MacKenzie 1970)، margīh در مقابل marg «مرگ» (Ibid)، suyīh در مقابل suy به معنی گرسنگی.^۱

منابع

- بهاء ولد ← خطیبی بلخی
بیهقی، ابوجعفر احمد بن علی (۱۳۶۶ و ۱۳۷۵)، *تاج‌المصادر*، به تصحیح هادی عالم‌زاده، پژوهشگاه علوم انسانی، تهران؛
ترجمه تفسیر طبری (۱۳۴۰)، ج ۳، به تصحیح حبیب یغمایی، دانشگاه تهران، تهران؛
ترجمه قرآن موزه پارس (۲۵۳۵ [= ۱۳۵۵])، به تصحیح علی رواقی، بنیاد فرهنگ ایران، تهران؛
تفسیر قرآن پاک (۱۳۴۸)، به تصحیح علی رواقی، بنیاد فرهنگ ایران، تهران؛
تفضلی، احمد (۱۳۴۸)، *واژه‌نامه مینوی خرد*، بنیاد فرهنگ ایران، تهران؛
جمال قرشی، ابوالفضل محمد (۱۳۲۴ ق)، *صراح*، مطبخ قیومی، کانپور (هند)؛
چند برگ تفسیر قرآن عظیم (۱۳۵۱)، کتابخانه‌های عامه افغانستان، کابل؛
خاقانی، افضل‌الدین بدیل (۱۳۳۸)، *دیوان*، به تصحیح ضیاء‌الدین سجادی، زوار، تهران؛
خطیبی بلخی، بهاء‌الدین محمد (۱۳۳۳، ۱۳۳۸)، *معارف*، به تصحیح بدیع‌الزمان فروزانفر، اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر، تهران؛ چاپ دوم (۱۳۵۲)، طهوری، تهران؛
دستور الاخوان ← دهار
دهار، قاضی‌خان بدرمحمد (۱۳۴۹)، *دستور الاخوان*، به تصحیح سعید نجفی اسداللهی، بنیاد فرهنگ ایران، تهران؛
رازی، شهرمدان بن ابی‌الخیر (۱۳۶۲)، *نزهت‌نامه علائی*، به تصحیح فرهنگ جهان‌پور، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (= پژوهشگاه علوم انسانی)، تهران؛
_____ (۱۳۸۲)، *روضه المنجمین*، به تصحیح جلیل‌اخوان زنجانی، میراث مکتوب، تهران؛
رشیدی تبریزی، یاراحمد ([۱۳۴۲])، *طریحانه*، رباعیات حکیم عمر خیام نیشابوری، به تصحیح جلال‌الدین همایی، انجمن آثار ملی، تهران؛
زوزنی، ابوعبدالله حسین (۱۳۳۴-۱۳۳۹ و ۱۳۴۵)، *کتاب المصادر*، ۲ جلد، به تصحیح تقی بینش، کتاب‌فروشی باستان، مشهد؛
سنایی، ابوالمجد مجدود (۱۳۴۱)، *دیوان*، به تصحیح محمد تقی مدرس رضوی، ابن‌سینا، تهران؛
شعار، جعفر (۲۵۳۵ [= ۱۳۵۵])، *پژوهشی در دستور فارسی*، دانشگاه تربیت معلم، تهران؛
صادقی، علی‌اشرف (۱۳۵۰)، «مصدر و اسم مصدر در فارسی معاصر»، *راهنمای کتاب*، س ۱۴، ش ۹-۱۲، ۷۷۱-۷۷۸؛
_____ (۱۳۷۲)، «شیوه‌ها و امکانات واژه‌سازی در زبان فارسی معاصر (۱۰)»، *نشر دانش*، س ۱۳، خرداد - تیر، صص ۱۹-۲۰؛

۱. مثال امیدیه و سبیه از دست‌نویس فرهنگ پهلوی شادروان احمد تفضلی است. برای suy رک. مکنزی (MacKenzie).

- صادقی، علی اشرف و اکرم حاجی سیدآقایی (۱۳۸۹)، «برخی نشانه‌های نادر جمع در زبان فارسی»، دستور، ش ۶، صص ۵۴-۷۶؛
- طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن (۱۳۴۲-۱۳۴۳)، *النهايه في مجرد الفقه و الفتاوى*، ۲ جلد، با ترجمه فارسی، به تصحیح محمدتقی دانش‌پژوه، دانشگاه تهران، تهران؛
- عوفی، سدیدالدین محمد (۱۳۵۰)، *جوامع الحکایات*، به تصحیح جعفر شعار، انتشارات دانش سرای عالی، تهران؛
- عیوقی (۱۳۴۳)، *ورقه و گلشاه*، به تصحیح ذبیح‌الله صفا، دانشگاه تهران، تهران؛
- فرخی سیستانی، ابوالحسن علی (۱۳۳۵)، *دیوان*، به تصحیح محمد دبیرسیاقی، اقبال، تهران؛
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۶)، *شاهنامه*، ج ۱، به تصحیح جلال خالقی مطلق، مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، تهران؛
- فرهنگنامه قرآنی* (۱۳۷۲-۷۵)، زیر نظر محمدجعفر یاحقی، ۵ جلد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد؛
- قرآن قاس* (۱۳۶۴)، به کوشش علی رواقی، مؤسسه شهید محمد رواقی، تهران؛
- قطران، ابومنصور (۱۳۳۳)، *دیوان*، به کوشش محمد نخجوانی، چاپخانه شفق، تبریز؛
- کریمینی، علی‌بن محمد (۱۳۸۵)، *تکملة الاصناف*، ۲ جلد (جلد دوم: فهرست‌ها)، به تصحیح علی رواقی، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران؛
- گرگانی، فخرالدین اسعد (۱۳۴۹)، *ویس و رامین*، به تصحیح ماگالی تودوا و الکساندر گواخاریا، بنیاد فرهنگ ایران، تهران؛
- معین، محمد (۱۳۴۱)، *اسم مصدر - حاصل مصدر*، ابن سینا، تهران؛
- _____ (۱۳۷۱)، *فرهنگ فارسی*، ج ۸، امیرکبیر، تهران؛
- مقاصد اللغه*، نسخه خطی کتابخانه ملی تهران، ش ۱۱۴۴؛
- منوچهری دامغانی، ابوالنجم احمد (۱۳۴۷)، *دیوان*، به تصحیح محمد دبیرسیاقی، زوار، تهران؛
- مولوی، جلال‌الدین محمد (۱۳۴۰)، *کلیات شمس*، جلد ۶، به تصحیح بدیع‌الزمان فروزانفر، دانشگاه تهران، تهران؛
- میبدی، رشیدالدین ابوالفضل (۱۳۳۱-۱۳۳۹)، *کشف الاسرار*، به تصحیح علی اصغر حکمت، دانشگاه تهران، تهران؛
- میهنی، محمدبن منور (۱۳۶۶)، *اسرار التوحید فی مقامات الشیخ ابی سعید*، ۲ جلد (جلد دوم تعلیقات و فهرست‌ها)، به تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی، آگاه، تهران؛
- ناصرخسرو علوی (۱۳۰۷)، *دیوان*، به تصحیح حاج سیدنصرالله تقوی، تهران؛
- نجفی، ابوالحسن (۱۳۷۰)، *غلط نویسم*، ج ۳، مرکز نشر دانشگاهی، تهران؛
- نصرالله منشی (۱۳۴۳)، *کلیله و دمنه*، به تصحیح مجتبی مینوی، دانشگاه تهران، تهران؛
- نظامی گنجوی، الیاس بن یوسف (۱۳۷۹)، *اقبالنامه*، به تصحیح بهروز ثروتیان، توس، تهران؛
- هروی، ابومنصور موفق (۱۳۸۸)، *الابنیه عن حقائق الادویه*، متن عکسی با مقدمه‌های ایرج افشار و علی اشرف صادقی، مرکز پژوهشی میراث مکتوب، تهران؛